

دوستان نامزد انتخابات! عصر کلی‌گویی پایان یافته است، شعارها به گل نشسته‌اند، انگ‌زدن‌ها تا به غایت کاربردشان استفاده شده‌اند؛ و همه ظرفیت‌های پوپولیسم عیان شده است؛ فکر دیگری کنید

یادداشتی از محمد فاضلی



یکی از اتاق فکرهای آمریکا گزارشی با عنوان «هشت مسئله بزرگ که نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری باید به آنها پردازند» منتشر کرد این گزارش 63 صفحه‌ای مشخص می‌کند که جامعه آمریکا چه مشکلاتی دارد و نامزدها باید به چه موضوعاتی پردازند.

در اولین پاراگراف این گزارش می‌خوانیم:

«سرگرم کننده و نومیدکننده است که ببینیم که نامزدها یکدیگر را لجن مال می‌کنند. اما مهم‌تر آن است که نامزدها اصلی‌ترین مسائلی را که ملت با آن مواجه است مشخص کرده و اگر انتخاب شوند چگونه به این مسائل می‌پردازند. ویژگی‌های شخصی، وفاداری حزبی، فلسفه سیاسی، و ... نقش مهمی در تصمیم رأی‌دهندگان برای حمایت از نامزدها بازی می‌کنند، اما موضع نامزدها درباره مسائل اصلی و راه حل‌ها باید سهم به‌سزایی در تصمیم رأی‌دهندگان داشته باشد.»

آیا وقت آن نرسیده است که نخبگان ایران نیز فهرستی از مهم‌ترین مسائلی که نامزدهای مجلس باید به آن پردازند منتشر کنند و خواهان اعلام موضع احزاب و گروه‌های سیاسی، و حتی تک‌تک نمایندگان مجلس نسبت به آن‌ها شوند؟

اما آیا واقعاً وقت آن نرسیده است از نامزدهای انتخابات مجلس، و احزاب و گروه‌های حامی آن‌ها در ایران بپرسیم، آقایان و خانم‌ها، اصلاح‌طلبان، اعتدالگرایان و اصولگرایان؛ دموکراسی‌خواهان؛ لیبرال‌ها یا اسلام‌گراها؛ سکولارها یا مدعیان ولایت‌مداری و حکومت دینی؛ سبزها، سرخ‌ها، بنفش‌ها؛ ضدفتنه‌ها، ضدنفوذها؛ مدرن‌ها، ضد مدرن‌ها؛ ساده‌زیست‌ها، تجمل‌گراها؛ و ... از هر قوم، زبان، دین و قشری که هستید:

مسائل اصلی کشور چیست و آن‌ها را چگونه تعریف می‌کنید. (خواهش می‌کنم مثل پاسخ‌گویان نظرسنجی‌ها، عوامانه نگویند بیکاری، تورم، رکود، محیط زیست. این حد از تعریف مسئله به فهم سیاسی، تخصص و ساماندهی سیاسی نیاز ندارد. تعریف مشخص از این مسائل ارائه کنید.)

صرف‌نظر از این‌که شما مسئله را چه تعریف می‌کنید، می‌شناسم نخبگانی را که از شما می‌پرسند:

بحران آب را چگونه مدیریت خواهید کرد؟

بحران در صندوق‌های بازنشستگی‌های را چگونه تعریف و مدیریت خواهید کرد؟

موضع شما در قبال سیاست منطقه‌ای ایران و تنش در روابط ایران و عربستان چیست؟ (خواهش می‌کنم ما را به اصول

عزت، حکمت و مصلحت ارجاع ندهید. گونه‌ای سخن بگویید که بفهمیم چگونه منافع ملی تأمین می‌شود.

نظریه خروج از رکود شما چیست؟ برای اشتغال‌زایی و مدیریت بحران بیکاری 4 تا 10 میلیون بیکار (به حساب محاسبات مختلف) چه می‌کنید؟ (خواهش می‌کنم به بیان کلیاتی نظیر بنگاه‌های کوچک و متوسط را توسعه می‌دهیم، سیاست‌های اشتغال‌زا در پیش می‌گیریم، و نسخه‌های مشابه اکتفا نکنید.)

برای کاهش شدت انرژی در کشور چه می‌کنید؟ (خواهش می‌کنم بیشتر از بیان این‌که سیاست‌های بهینه‌سازی را در پیش می‌گیریم توضیح دهید.)

برای توسعه نامتوازن ایران و توسعه نیافتگی تعداد زیادی از استان‌های کشور، بالاخص در نواحی مرزی چه می‌کنید؟ (خواهش می‌کنم نگوید «سیاست‌های محرومیت‌زدایی در پیش می‌گیریم.» این سؤال به جواب‌های تفصیلی‌تری نیاز دارد. فهم نظری می‌خواهد، برنامه مدون نیاز دارد.)

برای ساماندهی نظام رفاهی کشور چه می‌کنید؟ (خواهش می‌کنم نگوید سیاست‌های فقرزدایی در پیش می‌گیریم. پاسخ دادن به این سؤال به سطح بالاتری از توانایی نظری و شناخت میدانی و تدوین برنامه و سیاست نیاز دارد.)

عصر پسابرجام و پساتحریم است، اما عصر پسامنابع نیز هست. با کمبود منابع چه می‌کنید؟ (خواهش می‌کنم نگوید با تکیه بر منابع و مشارکت مردمی، کشور به قدرتی بی‌نظیر دست می‌یابد. جواب این پرسش تحلیل و اندیشه‌ورزی بیشتری می‌طلبد.)

اما یک سؤال دیگر، صادقانه پاسخ دهید:

چگونه چند برابر حقوق نمایندگی را صرف هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی می‌کنید؟

دوستان نامزد انتخابات! عصر کلی‌گویی پایان یافته است، شعارها به گل نشسته‌اند، انگ‌زدن‌ها تا به غایت کاربردشان استفاده شده‌اند؛ و همه ظرفیت‌های پوپولیسم عیان شده است؛ فکر دیگری کنید.

حرف تلخی است، نباید بنویسیم، اما چاره چیست، گاه باید تلخ حرف زد. بیایید بینیم

یک تمدن هفت هزارساله، هشتاد میلیون جمعیت، و یک دنیا مدعا، می‌تواند به اندازه 63 صفحه گزارش بروکینگز عقلانیت خلق کند؟ خودمان را بیازماییم.  
منبع/ ایلنا